



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۱۸ فروردین ۱۳۹۲

مصادف با: ۲۷ ربیع الثانی ۱۴۳۴

جلسه: ۲۹

موضوع کلی: توثیقات خاصه و عامه

موضوع جزئی: راه‌های توثیق عام- مشایخ ثقات

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در مورد بعضی از اشخاصی بود که درباره آنها ادعا شده که «لایروون الا عن ثقة»، تا اینجا درباره چهار نفر بحث کردیم که عبارت بودند از: علی بن حسن بن محمد طائی، بنو فضال، جعفر بن بشیر و محمد بن اسماعیل بن میمون زعفرانی.

پنجم: احمد بن محمد بن عیسی الأشعری معروف به شیخ القمیین

در اینکه خود این شخص ثقة است تردیدی نیست و بزرگان رجال مثل شیخ، نجاشی، ابن غضائری، علامه و غیره او را توثیق کرده‌اند لکن در مورد مشایخ او بحث واقع شده که آیا همه مشایخ او هم ثقة بوده‌اند و آیا در مورد او می‌توان گفت «لایروی الا عن ثقة»؟ یعنی آیا می‌توان گفت همه کسانی که احمد بن محمد بن عیسی از آنها روایت نقل کرده ثقة‌اند و حتی یک مورد سراغ نداریم که از ضعیف روایت نقل کرده باشد؟

بعضی گفته‌اند این شخص «لایروی الا عن ثقة» و برای اثبات این مطلب به دو دلیل استناد کرده‌اند:

دلیل اول:

قضیه اخراج احمد بن محمد بن خالد برقی است که گفته شده احمد بن محمد بن عیسی دستور داد احمد بن محمد بن خالد برقی را از شهر قم اخراج کنند، علت اخراج او آن طور که علامه در خلاصه الاقوال گفته این است که او از ضعیف روایت نقل می‌کرده- البته احمد بن محمد بن عیسی بعداً از احمد بن محمد بن خالد عذر خواهی کرد و دوباره او را به شهر قم برگرداند، حتی نقل شده که در تشییع جنازه او با حالت حسرت و ندامت حضور پیدا کرد و به نوعی از آن کاری که نسبت به او انجام داده بود پشیمان بود- و اخراج برقی از شهر قم به خاطر نقل روایت از ضعیف نشان دهنده اهتمام احمد بن محمد بن عیسی نسبت به نقل روایت است و او این قدر به نقل از ثقات اهتمام داشته که حتی برقی که از ضعیف روایت نقل می‌کرده را از قم اخراج کرده است، پس معلوم می‌شود که احمد بن محمد بن عیسی «لایروی الا عن ثقة». علامه از ابن غضائری هم نقل می‌کند که خود برقی مشکلی نداشت ولی قمیون او را طعن کردند و این طعن هم به خاطر کسانی بوده که برقی از آنها روایت نقل می‌کرده، چون برقی در نقل روایت خیلی دقت نمی‌کرد و نسبت به ثقة بودن اشخاص دقت کافی را نداشت.^۱

۱. خلاصه الاقوال، ص ۱۴.

دلیل دوم:

نجاشی از کشی از نصر بن صباح مطلبی را به این مضمون نقل کرده که احمد بن محمد بن عیسی از ابن محبوب روایتی نقل نکرده چون اصحاب ابن محبوب را متهم کرده‌اند به اینکه از ابن ابی حمزه روایت نقل کرده و ابن نوح هم گفته احمد بن محمد بن عیسی از ابن مغیره و حسن بن خرزاد روایتی نقل نکرده است.^۱ طبق این استدلال احمد بن محمد بن عیسی از ابن سہ نفر روایت نقل نکرده؛ یکی از ابن محبوب است که متهم به نقل از ابن ابی حمزه بوده است و چون ابن محبوب از ابن ابی حمزه روایت نقل می‌کرده و ابن ابی حمزه ضعیف بوده لذا احمد بن محمد بن عیسی از ابن محبوب که از این شخص روایت نقل کرده، روایت نقل نمی‌کند، همچنین از ابن مغیره و حسن بن خرزاد هم که متهم به ضعف بوده‌اند روایت نقل نکرده است لذا معلوم می‌شود احمد بن محمد بن عیسی از ضعفاء و متهمین و کسانی که در نقل روایت، مطعون بوده‌اند روایت نقل نمی‌کرده پس ثابت می‌شود که او «لایروی الا عن ثقة».

بررسی دلیل اول:

به حسب ظاهر اخراج برقی از شهر قم به خاطر این نبوده که او از ضعیف هم روایت نقل می‌کرده بلکه به این جهت بوده که در نقل به کثیری از ضعفاء اعتماد کرده، یعنی نقل او از ضعفاء زیاد بوده نه اینکه به چند مورد محدود باشد.^۲ لذا با توجه به این مطلب که اخراج برقی به خاطر این بوده که کثیراً از روات ضعیف روایت نقل می‌کرده لذا این نمی‌تواند اثبات کند که اهتمام احمد بن محمد بن عیسی به نقل از ثقات به قدری زیاد بوده که حتی اگر کسی یک مورد از ضعیف روایت نقل می‌کرده برای او قابل تحمل نبوده و او را از شهر اخراج کرده است لذا قضیه اخراج احمد بن محمد بن خالد برقی از شهر قم توسط احمد بن محمد بن عیسی نمی‌تواند ثابت کند که او «لایروی الا عن ثقة». بله اگر برقی در بین روایاتی که نقل کرده چند روایت هم از ضعیف نقل کرده بود و احمد بن محمد بن عیسی به این خاطر او را از شهر اخراج می‌کرد اهتمام او به نقل از ثقات را اثبات می‌کرد ولی مشکل این است که اخراج برقی به خاطر این بوده که کثیراً از ضعیف روایت نقل می‌کرده لذا اخراج او دلیل بر این نمی‌شود که احمد بن محمد بن عیسی فقط از ثقة روایت نقل می‌کرده و حتی یک روایت هم از ضعیف نقل نکرده است. بنابراین از این مطلب به هیچ وجه استفاده نمی‌شود که احمد بن محمد بن عیسی «لایروی الا عن ثقة».

بررسی دلیل دوم:

دلیل دوم که نجاشی از قول کشی نقل کرده که احمد بن محمد بن عیسی از بعضی از افراد روایت نقل نکرده چون آن اشخاص از ضعیف روایت نقل می‌کرده‌اند و این نشان دهنده این است که احمد بن محمد بن عیسی «لایروی الا عن ثقة»، توسط مرحوم آقای خویی مورد نقض واقع شده، ایشان چند مورد را به عنوان نقض ذکر می‌کند و می‌فرماید احمد بن محمد بن عیسی از افرادی از جمله محمد بن سنان، علی بن حدید، اسماعیل بن سهل و بکر بن صالح روایت نقل کرده

۱. رجال نجاشی، ج ۱، ص ۲۱۷.
۲. فهرست شیخ، رقم ۵۵؛ خلاصه الاقوال.

است.^۱ حال اگر ضعف این افراد اثبات شود قاعده «لایروون الا عن ثقة» مخدوش خواهد شد، سه نفر از چهار نفر مذکور یعنی محمد بن سنان، اسماعیل بن سهل و بکر بن صالح کسانی هستند که نجاشی آنها را تضعیف کرده اما ضعف آنها مورد اتفاق نیست - ما در بررسی وضعیت ابن ابی عمیر، صفوان و بزئطی یکی از اشکالاتی را که مطرح کردیم ذکر موارد نقض بود که این اشخاص از ضعاف هم روایت نقل کرده‌اند لذا قاعده «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة» در مورد اینها صحیح نیست، ما در آنجا به نقض‌های وارد شده پاسخ دادیم و گفتیم این نقض‌ها یا اساساً مورد اتفاق نیست و یا در کتب اربعه نیست و در غیر باب احکام است - و شیخ و علامه در مورد این افراد سکوت کرده‌اند و این نشان دهنده این است که ضعف این اشخاص مورد اتفاق نبوده است. بعلاوه بعضی از اینها مثل اسماعیل بن سهل یا بکر بن صالح در اسناد تفسیر علی بن ابراهیم قمی هم وارد شده‌اند.^۲ به هر حال اگر ضعف این اشخاص مورد اتفاق نباشد و یا در اسناد تفسیر علی بن ابراهیم قمی وارد شده باشند نمی‌توانند به عنوان نقض ذکر شوند، لذا می‌توان گفت این نقض‌ها که توسط مرحوم آقای خویی ذکر شده قابل قبول نیست.

نتیجه اینکه ادعای اینکه احمد بن محمد بن عیسی «لایروی الا عن ثقة»، ادعای قابل قبولی نیست هر چند ما نقض‌های مرحوم آقای خویی را هم وارد ندانیم.

بحث جلسه آینده: یکی از کسانی که درباره او ادعا شده «لایروی الا عن ثقة» نجاشی است که انشاء الله در جلسه آینده به بحث درباره او خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۶۷.
۲. تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج ۱، ص ۳۱۵ و ۶۱.